

تصحیح دیوان عالی گیلانی و نگاهی به سبک زبانی و شعر وی

زینب ولی زاده فکلدهی^۱

ابوالفضل مرادی^۲

علی محمد مؤذنی^۳

چکیده

عالی گیلانی از شاعران برجسته ی سبک هندی از خطه ی گیلان است . دیوان شاعر از حیث دارا بودن تشبیهات و صور خیال کم نظیر در میان اشعار شیعی حایز اهمیت است . عالی به دوره ی صفویه و دوره ی کم لطفی به ادیبان تعلق دارد . دوره ای که شاعران و سخنوران به دلیل بی توجهی شاهان صفوی به شاعران علیرغم میل باطنی رنج غربت را به جان خریده و راهی دیار هند می شوند . که این هجرتها سبکی را تحت عنوان سبک هندی به وجود می آورد . سبکی با تشبیهات فراوان و گاه دور از ذهن . شاعران برای خوش آمد پادشاهان هند به ماراتونی عجیب و غریب دست می زنند . عالی حدود بیست سال رنج غربت و غم ها را به جان می خورد و در پایان برای جاودان کردن اثر خود در زمان شاه عباس دوم به موطن خویش باز می گردد . ابیات نغز و لطیف شاعر مملو از ارادت قلبی وی به مولایش علی (ع) و خاندان مطهر وی است .

کلید واژه : عالی گیلانی، نسخه خطی، دیوان، سبک هندی، ادبیات فارسی

^۱ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد خلخال. ایران. 1.nasim.valizadeh55@gmail.com

^۲ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان. ایران (نویسنده مسئول)* Dr.amoradirasta@cfu.ac.ir

^۳ . استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ایران moazzeni@ut.ac.ir

مقدمه

عبدالعلی همانطور که خودش در مقدمه ی کتاب خویش به آن اشاره کرده است در سن بیست و دوسالگی خوب شعر می گفت و چند بیتی نیز برای خود به صورت تک بیتی می سروده. و درست در همان زمان به دلیل عواملی چند رهسپار هند می شود.

چنان که شاعران هم عصر وی را متداول بود. و باز بنابر نوشته های خویش بیست سال در دربار جهانگیر شاه اعظم، پادشاه هند خدمت می کرده عالی یک شاعر شیعی تمام و کمال است. شاعری شیعی متعصب به امامان دوازده گانه. عالی در محیطی متولد شده و رشد و نمو کرده بود که خاستگاه شیعیان علوی است. در زمان شاعر و پیش از او گیلان در زمره ی علویان اداره می شد (عظیمی، ۱۳۹۵) و با روی کار آمدن صفویان که شیعه را به صورت دینی رسمی اعلان نمودند این پیوند بین مسلمانان شیعه پیش از پیش محکم شد. آنچه ما از میان ابیات متوجه شدیم تولد شاعر و جوانی وی باید با شاه عباس کبیر قرین باشد. شاه عباس با به حکومت رسیدن به طور مداوم درگیر سرکوب اغیار و متجاوزان بود. (رضایی، ۱۳۷۱) اما از سویی دیگر دربار گورکانیان هند مامن شاعران پارسی زبانی بود. که دچار بی مهری سلاطین بودند. عالی اما شاعری است که در هر کجا نام شاه عباس را با عظمتی هرچه تمامتر بر زبان می راند. از توصیف جنگ ها تا مجالس شراب.

سپهر کوکب عالم پناه شاه عباس چو آفتاب بود نور بخش و فیض رسان

(عالی گیلانی، قرن ۱۱، ص. ۹ ر بیت ۱۶)

خدیو هر ملایک سپاه شاه عباس گرفته از دم شمشیر کشور از شاهان
همان ص ۱۰ بیت ۱۸

(صفا، ۱۳۸۹)

بنابر همین دلایل و شاید ناملایمتی که از دوستان و هم عصران می بیند. غم هجران را بر مهر وطن ارجح می نهد. عالی شاعری لطیف و نازک دل است. دل تنگ عالی، از روزگار غدار بس گله ها دارد.

از ذوق کشت مطلب من زعفران دهد
از فغان بلبلان یابم دل آسوده را

گر چرخ کینه دار به بختم امان دهد
بوی آرامی ندیدم هرگز از رنگ گلی
(همان ص ۵۳، ب ۱)

جهانگیر شاه پادشاه هند هم عصر عالی شاعری ادب دوست بود که گویا به شاعر تلافی داشته . عالی در چند نوبه نام وی را در میان ابیات آورده است.

با جهانگیر زمان نور جهان بیگم ز عشق
پادشاه هند بود و شهسوار جودلی
(همان ص ۴۴، ب ۱۷)

همانطور که پیش از این اشارت شد عالی شاعر دوازده امامی است . معتقد به شریعت علی و خاندانش . شاعر بارها و بارها خود را کمینه بنده ی علی و اهل بیت می داند . اگر قرار است گرهی باز شود باید به دست امیر المومنین و خاندانش باشد .

تعداد بی شماری از شاعران در خطه ی گیلان بودند و هستند که شیعه و مرید خاندان اهل بیت هستند اما نمی یابیم شاعری چون عالی با این حجم وسیع از اشعاری که در منقبت رسول و علی و فرزندانش سروده است . عالی با سرودن این اشعار لطیف و رسا خود را یکه تاز عرصه ی اشعار شیعی دوران صفوی کرده است . (براون، ۱۳۷۵) هرچند که شاید حوادثی چند در پرده ی روزگار نام وی را در ورطه ی فراموشی نهاده است . با مطالعه ی تک تک ابیات عالی آنچنان خواننده در میان منقبت های رسا و لطیف غرق می شود که گذشت زمان را احساس نمی کند و تنها اربابان فصاحت و بلاغت می توانند این دنیای معانی و خیال را درک نمایند .

عالی بیچاره را از وطن آواره را
آنکه شود رهنما کیست علی ولی

(همان ص ۱۸، ب ۳)

تا که باشد گلشن آباد و امامان برقرار
در پناه آن چمن در هر بهاران می روم

(همان ص ۳۰، ب ۳)

عالی در سرودن این اشعار نغز و بی بدیل و غزلهای سراسر شور و اشتیاق از اصطلاحات عرفانی بهره ی کافی برده است . و در این بین برای استناد چه مثالی بارزتر از منصور عارف بزرگ و بر دار شدنش . خضر و جستجویش به دنبال آب حیات . اگر عالی با این مفاهیم آشنایی نداشت نمی توانست هیچ پیوند معنا داری مابین کلام خود و عرفان برقرار کند .

عالی اگر در زمره ی عارفان قرار نگیرد اما پیکره بند یک دیوان زیبا با مفاهیم عرفانی عمیق است . عالی علی (ع) را خضر زمان می داند . و توصیه اش به رهروان این است که بی پیر طریقت رهسپار نشوند .

علم و آداب و زندگی بخشند
خضر دور زمان علیست علی

(همان، ص ۱۹، ب ۴)

پاسبان آستان اوست خضر زنده دل
در پناهش از برای آب حیوان می رود

(همان ص ۳۱، ب ۴)

تقدیر بود و شورش منصور و پای دار

رمز قضا رسید و انا الحق بهانه ساخت

(همان ص ۱۱۱، ب ۴)

عالی مردی است از جنس سفر. او روح نا آرام و درد غربت چشیده اش را به گونه ایی در سفر آرامش می بخشد هر لحظه به درگاه خداوند دعا گویند است تا به مراد دل برسد. حال این محل آرامش می تواند گنبد خضرا باشد در مدینه و طوف کعبه و یا عراق باشد و نجف و حجاز برای شاعر شوریده ی از وطن جامانده هر جایی می تواند دنج و امن باشد و چه جایی بهتر از این مکان.

عالی از تجربه های بیابانش صحبت می کند از خار مگیلان و محمل شتران. اعتقاد دارد برای رسیدن به در کعبه ی مقصود باید صادق بود

کرده ام طی بیابان از سر صدق و صفا
رو به درگاه شه آخر زمان آورده ام

(همان ص ۶۲، ب ۱)

از مردم عراق و حسد آنها و شط فرات می سراید. تا ذهن خواننده را با خصوصیات مردم عراق آشنا کند
حیات بخش وجود آب شط بغدا دست
سواد شهریت او ظلم و بیداد است
خسیس و ناکس و دونند مردمش از حسد
بزرگ و کوچک ایشان از نسل شداد است

(همان ص ۲۴۴، ب ۱۷)

عالی فرزند ساحل خزر و دریاست. عالی بعد از هجرت در کشوری زندگی می کند که از سه طرف محصور آب های نیلگون است. کمتر غزلی یافت می شود در میان ابیات که از کلمات دریا، موج، صدف، ساحل و مروارید صحبت نکرده باشد. همینطور او بیست سال از عمرش را در کشوری زیست که از سه جهت محصور آب های نیلگون است.

موج بحردل به جوش آمد زبیم سحر او
دیده های خونفشان بر چهره چون جیحون کنم

(همان ص ۲۱۲، ب ۳)

هرگز نگشت معنی گیری به خاطر
در بحر موج فکر خود آسوده ایم ما

(همان ص ۵۴، ب ۱۲)

عالی بازی نرد و ابزار موسیقیایی را خوب می داند و می شناسد. از اصطلاحات تخصصی آن در شعر به جا استفاده می کند.

به عنوان مثال واژه ی ششدره شدن که در تنگنا فتادن حریف را گویند. (معین، ۱۳۸۰) شاعر خوش قریحه با توصیف و جاگذاری کلام ذهن خواننده را به بازی نرد می کشاند و چه حریفی قهارتر از دهر آنجا که عالی او را نرآد دهر می خواند.

چرخ لعبت باز صد نرد عقب از کذب باخت
عارفان از کعبتین راست ششدر داشتن

(همان ص ۲۶، ب ۸)

نراد دهر گشته عقب بار و مهره دزدید ایمان خویش باخت ز بسیار باختن

(همان ص ۲۳۳، ب ۲)

طبع عالی در موسیقی هم حماسه ساز است. به گمانم وی از تمام دستگاه ها و قوانین و ظوابط موسیقی سر رشته دارد که اگر جز این باشد این اشعار و کلام موسیقایی از وی بعید است.
ز طبع موسیقی دانی عالی طرز می دانم که می سازد ز صوت معنی خود داستانی را

(همان ص ۴۶، ب ۱۲)

با تمام این احوالات و تبحر مانند همه ی اعصار خزان عمر شاعر فرا می رسد بدون اینکه بهره ی وافی از بهار حسن خود برده باشد
رسید فصل خزان و بهار حسن گذشت صفایی به چهره ی گلگون بیش ازین نیست

(همان ص ۱۸۴، ب ۳)

شاعر آزوده خاطر در زمان شاه عباس دوم به اجابت دعایش می رسد و به موطن خویش باز می گردد تا روحش در مامن خود به آرامش برسد. عالی باهوش می داند با نامگذاری کتاب به عنوان شاه است که دیوانش از گزند حوادث این روزگار در امان است.
نمودم عزم وطن می روم خداحافظ از صدق دل به طواف شه رضا حافظ

(همان ص ۸۴، ب ۱)

عالی به سجود شاه ایران آمد چون مور به در گاه سلیمان آمد
ترتیب کتاب داده از دولت شاه شد بنده ی و با نسخه ی دیوان آمد

(همان ص ۲۸۵، پ دو بیتی)

دیوان شاعر به صورت دست نوشته ی خود عالی و تنها در یک نسخه ی خطی در مجلس شورای اسلامی وجود دارد.

با اندکی اغراق می توان گفت سعادتی است که این دیوان حفظ شده است و بیش از همه بر اهل گیلان. تا بتوانند از این طریق با زندگی و سبک شعری شاعر آشنا شوند. سبک شاعر سبک هندی است که سبک قالب عصر شاعر است

پیشینه ی تحقیق :

. عالی گیلانی شاعری است با یک دیوانی وسیع از انواع قالب های شعری که به صورت یک مجموعه در کتابخانه ی مجلس نگهداری می شود. پیش از این در هیچ کتاب و تذکره ای ازین شاعر نامی نیامده است. که این خود باز جای بسی تأمل دارد. حتی با بازبینی در آثار گذشته نیز نامی از این شاعر و یا دیوانش نیامده . تنها راهنمای این تصحیح دیباچه و ابیات آمده در میان دیوان است. این رساله قصد دارد با پرداختن به زوایای پنهان و آشکار زندگی این شاعر گیلانی افقی تازه در میان آسمان ادب باز نماید .

برای تحلیل و تفسیر ابیات تنها نسخه خطی اثر بارها مورد خوانش قرار گرفت .ومطالب به دقت تایپ شد . در ابتدا تمامی مطالب مورد ارتباط با زندگی شاعر که به صورت اشاره در دیباچه ی دیوان و یا از خلال ابیات یافت می شد، به دقت فیش برداری و مورد تحلیل قرار گرفت .که بخش مهم آن در پژوهش آمده است .

پس از تهیه فیش و تحلیل محتوایی اثر به نکات ادبی پرداخته شد .نسخه شناسی اثر هم شامل تحلیل و شرح و تفسیر فیزیکی نسخه و خوانش درست ابیات و همچنین توجه به رسم الخط و طرز نگارش نویسنده و تطبیق آن با دوره ی زندگی شاعر صورت گرفت .کلمات نا خوانا در نسخه با خوانش و قرینه یابی اصلاح و تفسیر گشت .در مرحله بعد به صنایع بدیعی استفاده شده شاعر پرداخته و نمونه هایی از دیوان ضمیمه می شود .

روش تحقیق

یافتن نسخ خطی دیوان عالی گیلانی در حد توان از مجموعه ی فهرست های کتابخانه های داخل و خارج کشور که تنها با کوشش فراوان و مراجعات بسیار یک نسخه در کتابخانه مجلس یافت شد .

شناسایی نسخه های اصح و اقدم و نسخه های دیگر که از روی آن ها استنساخ شده است که باید در این صورت به روش های علمی که شامل التقاطی ،قیاسی و... است عمل شود .اما این نسخه تا کنون به صورت تک نسخه اعمال شده است و تصحیح آن به صورت قرینه یابی از ابیات و کلمات دیگر انجام شده است .

۱-گریزی بر سبک هندی :

سبک هندی یکی از چندین سبک رایج در میان شعرا و نویسندگان ادب پارسی است .که از قرن نهم بعد از آن به بعد پس از افول سبک عراقی بروی کار آمد.

دودلیل پیدایش این سبک عدم توجه شاهان صفوی به شاعران و نویسندگان مدیحه سرا و بلعکس تشویق شاهان دربار هند و دلیل دوم عدم درآمد از شعر مدحی باعث شد که شاعران جهت امرار معاش یا ثروت اندوزی به دربار هند روی آورند شاعران که از مهد ادب و زبان فارسی دور شده اند برای بدست آوردن قدرت و نمایش گذاشتن هنرهای خود در خلق عناوین و کلام تازه در محیط فرهنگی اجتماعی هند سبکی را به وجود آوردند که به سبک هندی شهرت پیدا کرد (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۷۴) (صفا، ۱۳۸۹)

۱- ویژگی های سبک هندی

الف: تک مصرع:

ساختار سبک هندی همانطور که دکتر شمیسا می گوید بر پایه ی تک بیتی استوار است. نه در غزل «قالب شعر در سبک هندی تک بیت است نه غزل، منتها این ابیات با نخ قافیه و ردیف به هم متصل شده و شکل غزل یافته اند» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۷۶) برای این ادعا عالی در مقدمه ی دیوانش می گوید: «هر بیت بنده چهار پنج تناسب لفظی و سه چهار استعاره دارد هر بیت معنای معنای جداگانه ایی دارد» (عالی گیلانی، دیباچه: ۸).

سبک هندی پیوندی است بین مصرع معقول و محسوس شعر. به قول شمیسا مصرع اول گرچه می تواند تقلیدی و تکراری بیان شود اما شاعر موظف است در مصرع دوم دست به ابتکار زده و مفاهیم جدید و بکر را وارد چارچوب شعر نماید.

برای پیوند میان این دو رابطه چه صنعتی بهتر از تشبیه که بتواند ایفای نقش کند. اما با تمام شدن تشبیهات سهل الوصول شاعر سبک هندی به مفاهیم سخت و تشبیهات دور از ذهن می رود بدیهی است اشعار رو به سختی و دیر فهمی گرایش پیدا می کند. شاعر سبک هندی مضمون را بر موضوع برتری می نهد. در این سبک شاعر به خیال پردازی افراطی روی می آورد و برای بهتر شدن اشعار اغراق را به خیال و توهمات پیوند می دهد.

در ساخت بنا و شالوده ی اشعار به سبک هندی این گروه های مردم هستند که دخیلند ایشان تجربیات و فرهنگ خود را در مصرعی که محسوس است به اشتراک می گذارند. به عنوان مثال این شعر از بیدل دهلوی از تجربیات شخصی شاعر در امور کشاورزی حکایت دارد.

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

(بیدل دهلوی، ۱۳۹۲)

شاعر تمام تلاش خود را به کار می گیرد تا تجربیات و تصاویر شخصی خود را از دل مفاهیم و مضامین به صورتی بدیعی و نو خلق کند و شاید به همین دلیل است که با جزیی ترین مسایل روزمره ی خود، الهامات و توهمات درونی خویش بهترین مضمون ها را خلق می کند.

ب: ابهام:

شاعر سبک هندی با ایجاد پیوند در بین مصرع محسوس و معقول ابزاری چون تشبیه را به کار می‌گیرد اما با تمام شدن اصطلاحات ساده‌ی تشبیه به سراغ مفاهیم دوراز ذهن و عجیب می‌رود که این به صعب بودن مفاهیم شعری دامن می‌زند.

«شاعران در ورطه‌ی تعقید و ابهام و اغراق فرو غلطیدند» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۸۱) بیدل نماینده‌ی این گونه اشعار است.

در سبک هندی با دوزخ شاعر مواجه می‌شویم "دسته‌ایی که به قول شمیسا شاعرانی با تشبیهات و مضامینی معتدل که در ابیات آنها به سبک قدما ارتباط و وحدت موضوعی برقرار است. «شعر کم و بیش وحدت موضوعی یا ارتباط عمودی دارد.» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۸۱)

این شاعران را باید دنباله‌رو غزل حافظ و بابا فغانی دانست. و گروه دوم که شاعرانی غیر آشنا هستند سبک هندی را به افول و انحطاط نزدیک نمودند. این شاعران مفاهیم را در یک تک بیت قرار داده و رابطه‌ی بین دو مصرع را برای ذهن خواننده بسیار سخت نمودند. بیدل دهلوی و بخاری از این گروه اند. عالی بدون هیچ گونه تاملی در گروه اول قرار دارد هموست که در مقدمه‌ی دیوانش می‌گوید: «از طرز معانی بابافغانی و استعاره مولانا عرفی می‌باشد» (عالی گیلانی، قرن ۱۱، ص. دیباچه ص ۸)

انسجام و تحکم معنایی که در بین ابیات عالی به چشم می‌خورد غیر قابل انکار است اگر مبنا بر توحید باشد این مضمون در سراسر ابیات دنبال می‌شود.

صایب تبریزی، عرفی، بیدل دهلوی از شاعران به نام سبک هندی محسوب می‌شوند.

۲: اهمیت و جایگاه شعر عالی :

آنچه موجب اهمیت شعر عالی و دیوان وی می‌باشد؛ پرداختن به مضامین شیعه و اشاره و ارادت بی‌ریای وی به امامان است.

عالی را می‌توان از سرآمدان شعرا و مدیحه‌سرایان اهل بیت در بین قرون ده تا سیزده به شمار آورد. در هیچ کدام از منابع به دیوانی بر نخواهیم خورد که این حجم وسیع مضمون و کلام بکر را به زیباترین شیوه‌ی موجود در یک دیوان گنجانیده باشند.

نظم و کلام عالی چون دانه‌های دُر در کنار هم به سان رشته‌ایی چیده شده است. عالی تمامی قالب‌های شعری اعم از قصیده،

غزل، دوبیتی، مثنوی و رباعی را در رثا و منقبت اهل بیت به خدمت می‌گمارد. و گریز وی به مسایل عاشقانه و صحبت از مهر بتان و زلف یار خواننده را از یکنواختی خارج می‌کند. گاه ما را به میان گلستان و گاه در میان غزلهای حافظ و قصاید عراقی می‌کشاند.

عالی اگر از نرد و موسیقی سخن به میان می‌آورد هدفش نشان دادن تبحرش نیست بلکه تمام این ابزار را برای بهتر و سهل بودن اشعارش به کار می‌گیرد. او می‌خواهد ذهن خواننده را به چالشی زیبا بکشد تا در میان ابیاتش روابط را بیابد.

۳- معرفی نسخه‌ی خطی :

این پژوهش بر اساس تک نسخه‌ی موجود در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. این نسخه باقیمانده‌ی دست خط خود عالی به صورت خط نستعلیق بسیار روان و شیوا است. این کتاب توسط تیمسار

سر لشکر مجید فیروز [ناصرالدوله] به کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی اهدا شد. شماره تخصصی ۳۴۴ از کتب خطی است. مولف کتاب عبدالعلای گیلانی تخلص عالی می باشد. شماره ثبت ۵۴۷۱ می باشد و در جلد ۲۱ فهرست نسخه های خطی مجلس به شرح زیر معرفی گردیده است: تاریخ کتابت قرن ۱۱ رحلی. ۱۷*۳۱ سم . ۶۵۰ ص. ۱۹ سطر. (حایری، ۱۳۹۱، ص. ۹۲، ج ۲۱)

(دیباچه): بسم الله الرحمن الرحيم / مالک ملکی و خدای کریم. بعد بر دانایان حقوق معنی مخفی نماند که این حقیر فقیر طبع معنی را ... به ذکر توحید کونی و از نعمت حضرت رسالت پناه..

آغاز: (قصاید) تازه می گوید زمین طبع نظم آرای من / سر زند صد غنچه فکر از لب گوئی منبشکفتد چون گلبن نطقم به سان نوبهار / رنگ و بو یابد نسیم صبح از گلهای من. نوع خط: نستعلیق، تزئینات نسخه: دارای سه کتیبه و صفحات مجدول به زر و لاجورد و شنگرف. نوع کاغذ: اصفهانی. تزئینات جلد: تیماج زرد ترنج دار دور منگنه. یادداشت مربوط به نسخه: سه برگ اضافی آخر، غزلیاتی با تخلص عالی به چلیپا نوشته شده که در این دیوان نیست [نخست، دو بیت آخر از غزلی است و بعد غزل های دیگر و همه تا پایان کامل است. و چنین پیداست یک یا چند برگ از اول این بخش چلیپا افتاده است. دو بیت نخست (با قافیه اش)

ملک ز کوبه خود سپاه دولت داشت قضا ز فتح و ظفر داده نوب تاملش

ز طرز معنی طبع سخنوری عالی حیات بخش زبان است چون مسیح دمش

و مطلع غزل بعد: نگار در پی جام شراب می گردد / به نیم جرعه زخس آفتاب می گردد (حایری، ۱۳۹۱، ج ۹۲)

این دیوان (به نوشته دیباچه) دوازده هزار بیت است که مولف آن را از بیست هزار بیت خویش برگزیده و به ترتیب الفبایی در این دیوان گرد آورده است. و این در زمان جلوس شاه عباس دوم صفوی است بر تخت سلطنت و در پایان دیباچه قصیده ای نیز به این مناسبت دارد. چنانکه از مقدمه دیوان به دست می آید عالی گیلانی تا سن ۲۲ سالگی شعر نسروده جز گاهی «یکه بیتی که طبع از او راضی می شد» در این وقت به هند رفت و «مدت بیست سال در هند به خدمت نوکری و منصب داری در ملازمت پادشاه عرش آشیان... نورالدین جهان گیر پادشاه می بود و همیشه در صحبت سخن وران و دانان به... فیض می برد و طبع راضی گفت و گوی (معنی سرودن شعر) نمی شد و مدام به خاطر می رسید که... هر گاه به درجه اعلی برسد و به روش شیخ

فیضی و بابا فغانی و ملا عرفی خواهد شد... متکلم می‌توان گشت» تا این که قصیده‌ای در مدح مولی علی (ع) سرود و آن حضرت را به خواب دید و در خواب چهار بیت [در مقدمه تنها یک بیت (مطلع غزل) را نقل می‌کند و این است آن بیت: خجل بود ز جمال تو آفتاب هنوز / که می رود همه شب در پی نقاب هنوز] در برابر آن حضرت سرود و چون بیدار شد آن ابیات را تکمیل کرد و غزلی ساخت «و بعد از آن رتبه سخن فقیر مراتب یافت و فکر در پی تازه‌گویی شد و طبیعت از طرز تناسب لفظی بابافغانی خوش‌دل شد و استعاره عرفی را پسندید و هر دو زمین را یکی ساخته به جایی رسانیدم که هر بیت بنده چهار پنج تناسب لفظی و سه چهار استعاره دارد در اینجا به تفصیل، نکات مهم و امتیازات شعر خود را بیان داشته و گوید: «در کلام فقیر در غزل به بیستی بیست تناسب لفظی با چند استعاره موجود است الحال این طرز.. زمین تازه شد» دنبال این سخن را به موسیقی رساند و گوید: «موسیقی‌دانی را... به ترنم نمایی به اوج گردون رسانیده چنان که قصیده‌ای در ردیف عراق

این قصیده را در پایان مقدمه آورده است:...

به خنده آب حیاتند دلبران عراق	به حسن، حور صفاتند دلبران عراق
ز آهوان خطا مشک و زعفران عراق	نمونه‌ای بود از زلف و بوی مه رویان
که شاه هر دو جهان است کامران عراق	جهان‌پناه سلیمان اساس شاه عباس

در دوازده مقام و بیست و چهار شعبه و شش آواز و چهار نغمه دیگر که بیرون از این جاست در صفات... شاه عباس گفته.. و تصنیف‌های مکرر در پنج نغمه زمزمه نموده «... این دیوان (هم‌چنان که در دیباچه نیز گوید) شامل قصیده، غزل، ترجیع‌بند و مثنوی و رباعی است و در قصیده کمتر تخلص در بیت آخر دارد و یا ندارد. غزلی در یاد از آستانه سید جلال‌الدین اشرف در گیلان دارد که نسبت او را به گیلان آشکار می‌دارد. اینک چند بیت از آن غزل:

امیر کشور گیلان جلال دین اشرف	که هست سید آنان و سرور و اشرف
شریف دهر بود لاهیجان ز مقدم او	که خاک درگه او هست بر جهان اشرف
ز طوف درگه او دور مانده‌ام یا رب	رسان مرا به در آستانه اشرف

این غزل قافیه منظمی ندارد و معلوم نیست که قصور از کاتب است یا از شاعر

توجهی کند ار شاه اشرفم ز کرم
رسم ز همت عالی به مسکن اشرف

از پاره‌ای از ابیات قصاید به دست می‌آید که شاعر از هند به ایران بازگشته و این دیوان را به مناسبت جلوس شاه عباس ثانی ترتیب داده است. (درایتی، ۱۳۹۱: ۵۷۰)

۴- ویژگی های زبانی:

۴- الف: زبان و لحن عامیانه :

بارزترین مشخصه ی سبک هندی استفاده از زبان عامیانه است. پیش ازین اشاره شده که از قرن دهم به بعد شعر از دربار و مکاتیب فاصله گرفته و در میان کسبه و بازاریان و عامه ی مردم با هر شغل و حرفه ایی رواج یافت و این مردم عادی بودند که شالوده ی ابیات را از تجارب و زندگی روزمره ی خویش می ساختند. بدین جهت اشعار و ابیاتی که پیش ازین در میان بزرگان خوانده می شد

در بین اجتماع مردم رواج پیدا کرد. پس دیگر نشانی از زبان فاخر نیست چرا که باید به نحوی باشد تا قابل فهم برای مردمی باشند که زندگی روزمره ی خود را به ساده ترین شکل دنبال می کردند. دیگر نشانی از زبان فاخر سبک خراسانی و یا عراقی نیست. زبان در یک سرایشی قرار می گیرد. و گاهی اشعار چنان به سستی و افول نزدیک می شود که از لحاظ ساختار نحوی به اشکال بر می خورد.

اما از طرفی این عامیانگی باعث می شود که تجربیات و عواطف عامه ی مردم در آن شریک باشد و کمال یابد. و درست همین سرودن به زبان عامیانه است که شعر را از حوزه عرفانی به تدریج خارج کرده است. شاعری که تا پیش ازین به دنبال معشوق آسمانی بود ازین پس به معشوق زمینی نیز می اندیشد. و در عالمی جدای عالم تخیل او را در بر دارد.

عالی از معشوقش به صراحت یاد می کند از نرگس مستش که قلبش را تسخیر کرده تا کفر زلفش که دین ایمانش را ربوده است. گاه از بی وفایی خوب روی کشمیری می نالد و گاه گلرخان عراق را بی مثال می داند.

به دام طره ی زلفش فتاده دین و دلم گرفته دل سر زُنار کفر هندو را

(همان: ۵۹)

اگرچه گروهی معتقدند این عامیانگی سبب رکود و سستی شعر در سبک هندی شده است اما جناب زرین کوب عقیده ایی متفاوت و قابل تامل دارد. «انتقال شعر از حوزه ی نفوذ اهل مدرسه به حوزه ی نفوذ اهل بازار، بر خلاف آنچه شاید در ابتدای امر به نظر می آید از لحاظ ابداع آفرینش ادبی به هیچ وجه متضمن انحطاط و رکود نگردید. سبک تازه با آنکه با سنت های قدما و اهل مدرسه قطع ارتباط کرده بود غالباً حاکی از نوعی تحرک در جهت واقع گرایی و تجدید عهد با زندگی واقعی بوده نوعی واقع گرایی تصعید یافته یا تلطیف شده»

(زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

۴- ب: خیال بندی و نازک اندیشی:

یکی از مهم ترین ویژگی های سبک هندی خیال بندی و نازک اندیشی است. شاعر سبک هندی تمام تلاش خویش را به کار می گیرد تا از موضوعات بهترین و کامل ترین مضمون ها راباسازد و در این رابطه از تخیل و معانی برجسته استفاده می کند. به گفته ی شمیسا «فکری جزئی اما تازه و نگفتنی» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۸۹)

در این سبک از لحاظ فکری تغییری صورت نگرفته بلکه آنچه بیان می شود مضمونی تازه با همان موضوع اما به روشی جدید و نو ارائه می شود.

پیش ازین در مورد سبک و شاعران آن گفته شد که دوگروه شعرا در این سبک دیده می شد گروه اول را که سهل و آسان شعر می سرودند به گروه معتدل از قول شمیسا معروف شدند. اساس کار این گروه مبتنی بر تمثیل بود. شاعر سبک هندی همه یتلاش خود را به کار می گیرد تا بتواند خیالی خاص را ارائه دهد این نازک خیالی بیش از همه مورد توجه شاعران پارسی گوی هند واقع شد. اما همین نازک خیالی در قرن دوازدهم و بعد از آن به دور خیالی و زیاده روی در آوردن خیالات پیچیده که از ذهن خواننده دور بوده گرایش پیدا می کند.

اشعار لطیف و نغز عالی پر از خیالات زیباست که به صورتی راحت و دست یافتنی مخاطب خود را منادا قرار می دهد. در خیالات خویش معشوق را می ستاید و درد دل می کند. در منقبت و مدح مولایش علی تا حوض کوثر پیش می رود. و جام می از کف علی (ع) می خواهد. در میان اشعار عالی خیالات و نازک اندیشی در میان غزلیات بیش از باقی قالب ها به چشم می خورد.

من آن روزی که افکندم نظر آن روی زیبا را به خون دل پریشان دیدم از آن زلف چلیپا را

(عالی گیلانی، قرن ۱۱، ص. ۶۴ ر بیت ۷)

۴- ج تلمیح:

عالی از آرایه ی تلمیح در اشعار خود بارها و بارها استفاده کرده است. اگر قرار است در منقبت و رسای حضرت علی صحبت کند معجزات وی را برای سندیت کلام خویش به نظم می کشاند. در واقع شاعر سبک هندی با توجه به تلمیح می خواهد که اشعار و ابیاتش را گسترش دهد.

تلمیح به معجزات حضرت علی :

آن پردلی که در صف جنگ عدوی دین فکنده ز خیبر و کشور گشا علیست
(همان ص ۱۳، ب ۷)

تلمیح به معجزه کشتن ازدها توسط حضرت علی در کودکی

در گهواره کشت ز انگشت ازدها
(همان ص ۶۲، ب ۱۵)

اعجاز ز طفلیت شده در نام حیّه در

تلمیح به داستان خضر:

گر تشنه لبم نظر به دریا نکنم
آزاد مراد خویش می باشم
(همان ص ۲۷۵، ر دوبیتی)

رو بر طرف خضر و مسیحا نکنم
با چرخ ز گفتگو تمنا نکنم

تلمیح به منصور و بر دار شدنش

تقدیر بود شورش منصور و پای دار
(همان ص ۱۱۱، پ ب ۵)

رمز قضا رسید و انا الحق را بهانه ساخت

۴-۵: تشبیه :

بیشترین آرایه ی ادبی استفاده شده در دیوان عالی تشبیه است . تشبیهات وی گاه بسیار ساده و سهل و گاه
رو به دشواری می نهد . بروی هم عالی از انواع تشبیه گویا تشبیه بلیغ و یا همان اضافه ی تشبیهی را بیشتر
برای پیشبرد اهدافش مناسب دانسته . عالی برای ملموس شدن ابیات و کلامش از تشبیهات به گونه ایی
استفاده کرده است که مخاطب پسند باشد .

تشبیه ساده :

دیدم ز مهر چهره ی آن دلبر بلا
(همان ص ۶۲، ب ۱)

چشمش سیاه مست و لبش ساغر بلا

تشبیه بلیغ:

از رنگ و بوی طبع دارم گل بی خارها
(همان ص ۶۲، ب ۱۰)

دارد بهار معنیم در سرزمین گلزارها

گلبن طبعی که دارم در گلستان دیگرست

بلبل معنی ما را آشیان دیگرست

شاهنشه منور جمالش مسلم است

آن دلبرم زحسن چو خورشید عالمست

(همان ص ۱۰۶، ب ۹۸)

۴- پ: استعاره :

بعد از تشبیه دومین ارایه ی پر کاربرد استعاره است . انواع استعاره د ربین ابیات و کلامش می درخشد اگر تشبیه ایی باید آورده شود بعد از ان گویا خود را ملزم می داند که از صنعت استعاره نیز استفاده کند . البته وی در مقدمه ی دیوانش صراحتا به این نکته اشاره کرده که در بیت تشبیه و استعاره را به کار برده است .

هزار صورت معنی ز نقش یک قلمست

چه رمزهاست که در لوح سینه ام رقمست

(همان ص ۹۸، ب ۱۰)

چو رست ، کِشت غمش داد زیر داس مرا

فکند شیوه ی عشق تو در هراس مرا

(همان ص ۶۶، ب ۱۱)

از نغمه در رقص آورم رگهای تار ساز را

گر سر کنم از سوز دل مرغوله وار آواز را

۵- ویژگی های فکری (عامیانی)

از خصوصیات سبک هندی عامیانه بودن و نزدیک بودن شعر به عامه ی مردم است . عالی نیز از این امر مستثنا نیست .

شیعه دوازده امامی :

به حق چهارده معصوم و مومنان عراق

خداش در همه حال از بلا نگهدارد

(همان ص ۱۲ ب ۱۳)

به حق نبی و علی و معصومان

مدام دولت جاوید باد و بخت بلند

(همان ص ۱۰ ب ۱۱)

جبر گرای شاعر :

بود بخت و اقبال تقدیر بنده

قضا از ازل کرده این سرنوشت

(همان ص ۱۳۴، ب ۸)

رمز قضا رسید و انا الحق را بهانه ساخت

تقدیر بود شورش منصور و پای دار

(همان ص ۱۱۱، ب ۵)

نارضایتی شاعر از مردم زمان خود :

نامد به فعل مطلب این چرخ چنبرم

قرنی گذشت و عمر ز نابود و بود خویش

(همان ص ۲۰، ب ۱۳)

دارد صفات نیکم خرسند دشمنان را

رحم و مردانگی نیست یاران و دوستان را

(همان ص ۵۵، ب ۱)

حب وطن و زادگاه :

می خروشم زار در هند از غم ماوای من

بلبل افتاده دور از گلشن گیلان خویش

(همان ص ۱۲، ب ۱۴)

رنگ و بوی نوبهار گلشن گیلان ما

رنگ فردوس است از خوبان و گلزار چمن

(همان ص ۶۴، ب ۶)

زخم زبان شنیدن شاعر:

ننگ زهر از زبان مار افتاده

بس که زهر زبان غم خوردم

(همان ص ۱۵۰، ب ۶)

عشق و تسلیم شاعر :

دین را به کفر زلف نگار بخش

ای دل اسیر شدی جان به یار بخش

(همان ص ۱۷۷، ب ۶)

نتیجه گیری :

عالی گیلانی از شاعران سبک هندی است که در دوران صفویه بی شک جز شاعران بی منازعه شیعی دوازده امامی از خطه ی گیلان می باشد . براساس نظام حاکم در دوره ی شاعر ، عالی چون دیگر شاعران هم عصر خود و پیش از خود راهی سرزمین هند می شود که به پارسی گویان احترام خاصی گذاشته می شد . سبک شاعر سبک هندی است که در از انواع تشبیهات به صورت خیال انگیز استفاده می شده . شاعر سبک

هندی برای باز گویی خیالات خود آنقدر به تشبیه روی می آورد که پس از به پایان رسیدن کلمات و ترکیبات سهل به ناچار به سمت ترکیبات سنگین و دور از ذهن روی می آورد .

از دیوان عالی تنها یک نسخه در مجلس شورای اسلامی است .دیوان وی شامل قصاید ،غزلیات ،مثنوی ،دوبیتی و انواع ترجیع بند است . عالی شاعری است که مدایح وی در کنار غزلیات عاشقانه اش به خوبی ایفای نقش می کند .

عالی پس از بیست سال خدمت در با رگه هندو ها در حالی که همیشه از درد غربت می نالید در زمان شاه عباس ثانی به ایران باز می گردد و کتاب خود را برای مصون بودن و شاید شهرت به نام شاه عباس می کند.

منابع

- بیان ،شمیسا،سیروس (۱۸۷۸)،تهران ۵میترا
- صور خیال در شعر فارسی ،شفیعی کدکنی ،دمحم رضا ،(۱۸۸۰)،تهران ۵آگاه
- براون ،ادوارد ،(۱۳۷۵)ترجمه دکتر بهرام مقدادی ،تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر .
- دیوان ،گیلانی ،عبدالعال ،نسخه خطی .
- سفر در مه ،پور نامداریان ،تقی (۱۸۷۱)،تهران بنگاه .
- فنون بلاغت و صناعات ادبی ،همایی ،جالال الدین (۱۸۷۰)،چاپ بیست و هفتم ،تهران ۵ نشرهما
- تصحیح دکتر محمد اسلامی ،تذکره الاولیا ،عظیمی ،ناصر(۱۳۹۵)تهران
- فنون ادبی ، احمد نژاد ،کامل (۱۸۸۸)،چاپ دوم ،تهران ۵ پای
- (معانی و بیان ،علوی مقدم ،دمحم ؛اشرف زاده ،رضا (۱۸۸۹)،چاپ دوم ،تهران ۵سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت
- صور خیال در خمسه ء نظامی ،زنجانی ،برات (۱۸۸۸)،تهران ۵امیر کبیر
- سبک شناسی شعر ،شمیسا،سیروس(۱۸۷۷)،چاپ نهم ،تهران ۵ نشر فردوس ۱۷ .
- آیین سخن ،صفا ،ذبیح هلا ،(۱۸۸۸)،ج ۱۹،تهران ۵ققنوس ۱۸ .
- جایگاه و تحلیل تشبیه در دیوان زیب النساء مخفی هندوستانی ، میر ،دمحم ،(۱۸۹۸)،

-فصلنامه ء تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب (،شماره ۷۹،ص ۸۸۸-۱۸۸۰۹ .

- بررسی تشبیه در اشعار انوری ابیوردی ،قره داغی کراهه ،فریبا ،(۱۸۹۰ ،

-فصلنامه ء تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب (،شماره ۸۰،ص ۷۸۸-۷

resqurces

-shamisa,siroos,stylistics of poem,(۲۰۰۳),edition ۹,Tehran

- .shamisa,siroos,explanation,(۲۰۰۸), Tehran,Mitra

-shafie kadmeh,Mohammad reza,imagery techniques in persian poem,(۱۹۹۱), Tehran,agah

-Azimi .Naser.(۱۳۹۵)correction.DREslami.mohammad.tazkareh olia.Tehran.

-Gilani,abdol alla,poetry poem,manuscript.

-poor namdarin ,taghi,travel in fog(۲۰۰۲), Tehran,bongah

-homaiejalaleddin,rhetoric techniques and literary techniques,(۲۰۰۷),print۲۷, Tehran: homa publishing

-Moain.Mohammad.(۱۳۸۹),farhang moain .amir kabir publication.

-Ahmad nejad, literary techniques,(۱۹۹۵), print ۲, Tehran,paya

-Brown,edvard,(۱۳۷۵),translation by Meqhdadi Bahram,history of Iranian literure from Safavid to the present

-zanjani,barat, imagery techniques in nezami's khamse, (۱۹۹۸). Tehran:Amir kabir

.shamisa,siroos,stylistics, semantics,(۲۰۰۳), print ۹, Tehran: complation ferdoosi

-Safa ,zabihallh,religion speech,(۱۹۹۸),cover۱۹, Tehran.ghofnoos.

-place and analysis in ,zeiboalnesa Makhfi Indian poetry poem,mir mohammad.(۲۰۱۵),specialty Quarterly of persion poetry,(Bahar Adab),number ۲۹,p۳۵۹-۳۷۴.

-.simulation reviow in Anvari Abivardi'poem,gharedaghi karale,Fariba,(۲۰۱۷), specialty Quarterly of persion poetry,(Bahar Adab),number ۳۵. ,p۲۲۹-۲۴۷.

--mojtaba.Mahdi.from meaning to face,(۲۰۱۱).cover۲, print۲. Tehran,sokhan.